

میدون و سوفیا

الووزیر؟ خودتی داداش؟



✚ **یوریا عالمی**

● امروز تلفن زدم با سوفیا گپ عاشقانه بزنم و سر صحبت را باز کنم که خطرخطر شد و وزیر صنعت کوشی را برداشت! از وزیر صنعت درباره کوپنی‌شدن کالاها پرسیدم که گفت: «نظر بنده این است که کالاهایی که با ارز دولتی می‌آید باید مطمئن شویم به دست مصرف‌کننده می‌رسد».

گفتم: داداش! ما واقعا پیشرفت کردیم؟ وزیر صنعت گفت: بله! قطعاً. گفتم: خب الان کدوم کشور پیشرفته در دنیا جنس کوپنی داره؟ که ما پیش‌ترفت کردیم به این مرحله رسیدیم؟ وزیر صنعت بغض کرد و های‌های گریه کرد. گفتم: الان توی بازار تنها چیزی که مثل آدم هست و قیمتش بالاپاین نشده و مردم مشکلی ندارند بابتش، فقط خرماست. دلپیش چیه؟ وزیر راستش را گفت: «خرما جزء کالاهای تنظیم‌بازاری نبوده است». باقی کالاها که تنظیم‌بازاری بوده، الان گران شده‌اند! وزیر قول داد فعلا دولت کاری به خرما نداشته باشد که حداقل خرما چیز نشود.

به وزیر گفتم: اوسا! الان مشکل کجاست؟ که اوستاوزیر صنعت جواب داد: «اتفاقا در جلسه امروز هیئت دولت مطرح و اعلام شد هیچ مشکلی در زمینه توزیع کالا‌های اساسی وجود نداره» و من از پاسخ اوستا بغض کردم. گفتم: داداش! شکر چرا چیز شده و این‌قدر گران شده؟



وزیر گفت: «دلیل گرانی شکر به بارندگی ابتدای سال بازمی‌گردد!»

به جان خودم اگر دروغ بگویم! وزیر صنعت دلیل گرانی شکر وارداتی را بارندگی اعلام کرد. در آخر پرسیدم اوسا! چرا ماشین گران شده؟ که وزیر صنعت جواب داد: «دو هفته اول سال خودروسازان در تعطیلات بودند که تأثیر نسبی بر قیمت خودرو گذاشته است!»

واقعا من دیگر چیزی نداشتم بگویم! فهمیدم مملکت را دست خوب‌کسانی سپرده‌ایم! به همین مناسبت رقتم توی اقی و کم شدم و خلاص!

تجربه ما

واکنش منفی به اخراج افغان‌ها

● هرچقدر سخنان حسن روحانی - رئیس‌جمهور- نسبت به تعلیق برخی بخش‌های برجام با استقبال روبه‌رو شد، سخنان عراقچی درباره اخراج مهاجرانی افغان ساکن ایران بازتاب گسترده‌ای داشت. او گفته است: «اگر فشارهای اقتصادی آمریکا علیه ایران ادامه یابد ممکن است به لحاظ اقتصادی به نقطه‌ای برسیم که از برادران و خواهران افغانستانی بخواهیم که ایران را ترک کنند. اینکه به کجا بخواهند بروند به خود آنها مربوط است»؛ هرچند بسیاری از مهاجران افغان با توجه به کاهش ارزش ریال ایران به دنبال خروج از کشورمان و سفر به کشورهای دیگر هستند، اما این مسئول بلندپایه روابط بین‌الملل در صداوسیما تهدیدآمیز سخن گفت که با واکنش منفی روبه‌رو شد. از نظر کاربران این تهدید با اصول اخلاقی و رفتاری ما ایرانیان نمی‌خواند و برخلاف عرف و روش بین‌المللی هم هست. ما ایرانیان میهمان‌ناو‌زی را سرلوحه رفتار خود داریم و سعی می‌کنیم رفتار شایسته را دنبال کنیم. هرچند در مواردی نیز دچار لغزش شده‌ایم و نمونه آن ماجراهایی بود که در صفه اسفهان یا در یزد اتفاق افتاد. اما اکنون که دچار بحرانییم، به نظر می‌رسد دوست نداریم تنگدستی و صف‌های طولانی شکر و گوشت سبب شود تا با مهاجران بدرفتاری کنیم و انسان را از سبزه‌مینمان بیرون بیاوریم. در شبکه‌های اجتماعی نیز عکس‌هایی از برخی شهدای افغان منتشر شده که چه در دوران جنگ تحمیلی با رشادت حضور داشتند و چه اکنون به عنوان مدافعان حرم. از نظر یکی از کاربران «چرتکه‌انداختن برای مهاجران افغانستان که توی هر جنگی داوطلب باشند و می‌شوند برای حفظ ایران و اسلام، دور از مروت و انسانیت است».

همچنین برخی کاربران یادآوری کرده‌اند افغان‌های مهاجر به ایران اکثرا شیعه‌مذهب هستند و شرایط ترسناکی پس از بازگشت در انتظارشان است.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

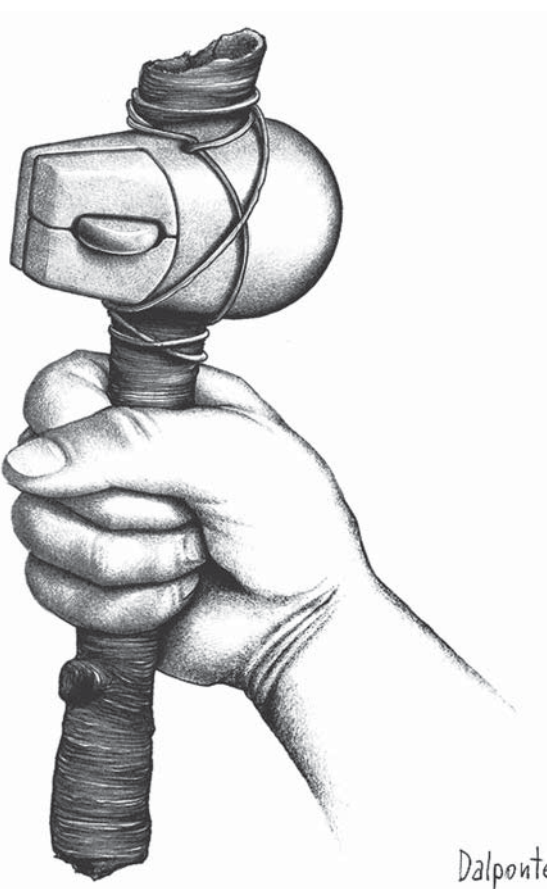
شنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۸ • ۵ رمضان ۱۴۴۰ • ۱۱ می ۲۰۱۹ • سال شانزدهم • شماره ۳۴۲۴ • ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۱۹ • اذان صبح فردا ۴:۲۵ • طلوع آفتاب ۶:۰۲

روزنفر۱

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

پانولو دالپونته



پرنده آبی

جنگ در پیش است؟

خبرهای مربوط به حرکت ناو آمریکایی آبراهام لینکلن به سمت خلیج فارس و همچنین فرستادن چندین فروند هواپیمای بمب‌افکن، همواره با جنگ‌کره می‌خورد و در واقع بسیاری از کاربران را دچار هراس از تقابل بین ایران و آمریکا می‌کند. نکته اینجاست که این موضوعات در تمام این سال‌ها رخ می‌داده است، اما اکنون به کمک رسانه‌ها بیشتر مطرح می‌شود تا در فضایی که پر از نگرانی است، ترس نیز دامن‌گیر کاربران و مردم شود. هرچند بسیاری معتقدند خبری از جنگ نیست، اما هنگامی که حسن روحانی درباره جراحی برجام سخن گفت، تردیدها اندکی بیشتر شد؛ به‌گونه‌ای که توییت‌ری‌ها در بازه ۱۶ تا ۱۸ فروردین، در مقایسه با «برجام»، ۸۲ درصد بیشتر به «جنگ» پرداخته‌اند. شرکت دیتاک که در زمینه پایش و تحلیل محتوای رسانه‌های اجتماعی و فضای مجازی فعال است، در گزارشی به افکارسنجی کاربران توییتر حول محور خروج ایران از برجام پرداخته است. در این تحلیل آمده است: «خروج آمریکا از توافق برجام و محقق‌نشدن وعده‌های اتحادیه اروپا در قبال ایران، موجب شده است کاربران مخالفت چندانی با خروج ایران از برجام نداشته باشند. همچنین ناامیدی از رسیدن به راه‌حلی مشترک بین طرفین توافق، یکی دیگر از دلایل بی‌میلی کاربران برای صحبت‌کردن درباره برجام قلمداد می‌شود».

در واقع مسئولان کشوری و بسیاری از مردم احتمال جنگ را خیلی اندک می‌دانند؛ مثلا سیدمحمد حسینی، وزیر فرهنگ دولت احمدی‌نژاد، نوشته است: «آن سبب شکست و آن پیمانہ ریخت! جان بولتون: «آمریکا در واکنش به رفتارهای نگران‌کننده ایران، در حال استقرار ناوگروه و بمب‌افکن در منطقه است... البته آمریکا قصد جنگ با ایران را ندارد» جناب! لولوبودن و هیمنه آمریکا سال‌هاست که درهم شکسته و این نمایش

هم در حد یک کمدی بیش نیست!». از نظر برخی از تحلیلگران، در شبکه‌های اجتماعی کوچک‌ترین نشانه‌ای از درگیری بین ایران و آمریکا نیست؛ نه الان و نه در ماه‌های آینده. «الگوی ترامپ مبتنی بر جنگ روانی و فشار اقتصادی است، شایعه‌های اخیر درباره احتمال جنگ، صرفا برای تأثیرگذاری بر بازار و خالی‌کردن دل مردم است پس از تأثیرنداشتن کارزار روانی صفرکردن صادرات نفت بر بازار».

محمد توسلی

دبیر کل نهضت آزادی



امروز با شرایط بحرانی و سختی مواجه هستیم و شاهدیم که حذف معافیت‌ها به تحریم‌های قبلی نیز افزوده شده است. طرح شعار یا برنامه‌هایی در شرایط کنونی برای ایجاد امید خوب است، اما آیا بدون امنیت سرمایه‌گذاری اعم از داخلی و خارجی چرخ اقتصاد و تولید کشور به گردش درمی‌آید؟ باید واقع‌بین باشیم تا از این بحران‌ها عبور کنیم. برای بهره‌گیری از تجربه تاریخی، در دوران دکتر مصدق نیز با همین تحریم‌ها روبه‌رو بودیم. آن زمان نیز تمام منابع درآمد نفت قطع شده بود و دکتر مصدق بودجه منهای نفت را تهیه و در مقابل بیگانگان ایستادگی کرد. کارشناسان اقتصادی به دفعات ضمن بررسی آن بودجه اظهار کرده‌اند که آن بودجه یکی از شاهکارهای اقتصادی در آن دوران است. باید دید در آن شرایط دکتر مصدق چه هنری را به کار برد تا بتواند از بحران عبور کند. دکتر مصدق بر اعتماد عمومی و حاکمیت ملی تأکید داشت و از پشتیبانی و اعتماد مردم نیز بهره‌مند بود. همین وفاق ملی

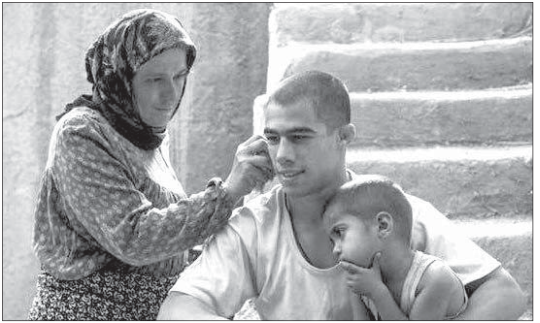
پیشنهاد

قهرمان راز آلود



✚ **محمدعلی آرامی**
متخصص مغز و اعصاب

پس از سال‌ها انتظار، بالاخره یکی از فیلم‌های به‌اصطلاح سینمایی‌ها، «اکران نوروزی»، لذت این انتظار را که از اواسط اسفند برای سینمادوستان شکل می‌گرفت، کامل کرد و احساس خوبی را بازآفرید. آنچه به‌طور متعارف تحت عنوان تاریخ عرضه می‌شود، در حقیقت روایات تاریخی هستند نه بازنمایی کامل و دقیق آنچه اتفاق افتاده است. هر قدر که راوی تاریخ خود را وفادار به نقل موه‌بوی آنچه دیده و شنیده است بداند، باز هم از تأثیر احساس و شرایط زمانی و مکانی بر روایت نمی‌توان به‌سادگی چشم‌پوشی کرد؛ همان عواملی که زاویه دید و برداشت راویان را گوناگون می‌کنند. حتی در روایت تاریخ معاصر از سوی آنان که وقایع را به چشم دیده‌اند، نیز تنوع فراوانی دیده می‌شود. واقعه‌ای یکسان از چند زاویه دید نگریسته می‌شود و روایت‌های مکتوب متفاوت و گاه متضادی به یادگار می‌مانند. روایت زندگی بزرگان و تأثیرگذاران تاریخ نیز گاه چنین تنوعی داشته و شرح زندگی آنان را رازآلود کرده است. تختی نیز یکی از آن بزرگان است. حتی در روایت نزدیکان او نیز تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد و انکار و تأیید گفته‌ها دیده می‌شود. اینها را نوشتم که بگویم گویی نباید خیلی در صحت یا نادرستی جزئیات و حتی گاه وقایع مهم‌تر وسواس به خرج داد و با پذیرش احتمال صحت روایات مختلف، به یک برداشت کلی و تفسیری تاریخی بسنده کرد. فیلم غلامرضا تختی روایتی منصفانه و مستند بر روایاتی است که تقریباً در پیشینه روایات مشترک است. این، عیب و نقصان بر کار توکلی به شمار نمی‌رود، بلکه به گمان من حسن کار است. فیلم‌نامه بر اساس داشته‌های موجود نوشته شده است و هر جا که اطمینان به روایتی کافی نبوده، از نقل آن، دست‌کم با جزئیات پرهیز شده است. بیننده بر اساس حس و دانش و مطالعه خود می‌تواند این مختصرگویی‌ها را تکمیل و با تخیل خود، فیلم را در ذهن خود بازسازی کند. می‌ماند تکنیک و فرم فیلم که فقط در مقام مقایسه با اجراهای سینمایی فیلم‌های با مضمون مشابه، باید گفت که یکی از بهترین اجراهای سینمای ملی ماست. البته منتقدان و صاحب‌نظران سینماگر می‌توانند و لازم است برای بهترشدن کارهای آتی هنرمندان اشکالات و نقص‌های تکنیکی و از جمله بازیگری را گوشزد کنند، اما بر جستگی‌های موجود در اجرای صحنه‌هایی همچون مسابقه کشتی المپیک آمریکا و دین دوران کودکی او را که اجرایی بسیار سخت و طاقت‌فرسا بوده است، تحسین کنند. برای بهرام توکلی عزیز آرزوی موفقیت‌های بیشتر دارم.



دور دنیا

هکر ۳۰۰ میلیون دلاری پنتاگون

هکری آمریکایی که درحال‌حاضر ۳۰۰ میلیون دلار در جیب دارد، کارش را مثل فیلم‌های جیم‌بازندی شروع کرده و با هک‌کردن سیستم‌های وزارت دفاع آمریکا وارد بازار سرمایه شده است و اکنون امکان آن را دارد که به یکی از غول‌های مسلط بر بازاری ۱۲۴ میلیاردلاری بدل شود. نام این مرد آمریکایی ساکن مرلیند، ران گولا است و کارش این بوده که به‌عنوان هکر، «تست نفوذ» به وزارت دفاع آمریکا را در واقع برای اداره امنیت ملی آمریکا انجام بدهد. پیشه قبلی او شبیه‌سازی حملاتی بود که پنتاگون احتمال می‌داد کشورهای رقیب انجام بدهند. به گزارش بیزینس اینسایدر، ران گولا تا قبل از سال ۲۰۰۲ کارش این بوده که شبیه‌سازی حمله احتمالی هک‌رای کشورهایمانند چین و ایران را انجام بدهد و از ۱۷ سال پیش که از NSA خارج شده، اسارت‌آبی در حوزه امنیت شبکه برای خود دست‌وپا کرده که فقط در سال ۲۰۱۵ حدود ۲۵۰ میلیون دلار درآمد آن بوده است. شرکت او درحال‌حاضر ۲۷ هزار مشتری دارد. او در گفت‌وگو با بیزینس اینسایدر توضیح داده است که چگونه دولت‌ها با داشتن «منابع فراوان شامل زمان و روش‌های غیبرسایری» شرکت‌های کشورهای دیگر را هک می‌کنند. «اگر هدف آنها قرار بگیرد، کارکنان شما را ممکن است ترغیب کنند که با آنها همکاری کنند، ممکن است تصاویر ماهواره‌ای خانه و دفتر شرکت شما در برنامه مراقبت مورد‌استفاده قرار گیرد و در تلفن و پیامک‌های شما نفوذ کنند».

سلام به فردا

راهکار خروج از بحران‌های کنونی؛ بازگشت به «راه مصدق»

در حوزه فرهنگی و اجتماعی توجه داشت و می‌خواست که آن را قطع کند تا حاکمیت ملی و محور دوم برنامه‌هایش یعنی تأمین آزادی انتخابات و حاکمیت واقعی مردم در اداره شهرها و کشور محقق شود. دولت آمریکا و به‌ویژه ترامپ، با هماهنگی کشورهای عربی منطقه و اسرائیل به‌دنبال سلطه خود در منطقه هستند و این شاید با سیاست‌های انگلستان در آن دوره تا حدودی هماهنگ باشد. تفاوت این بود که انگلستان آن زمان دنبال براندازی نظام شاهنشاهی ایران نبود اما امروز اینها دنبال براندازی هستند و خروجی این رویداد فروپاشی و بحران‌های منطقه‌ای است؛ به عبارتی وضعیت کنونی، پیامدهای سنگین‌تری در پی دارد. آن زمان حداکثر کودتا کردند و مصدق رفت و دولت دیگری آمد. فروپاشی جغرافیایی اما اتفاق نیفتاد. این مقایسه شرایط، مسئولیت مسئولان نظام را بسیار سنگین‌تر می‌کند. باید ارزیابی درستی از شرایط داشته باشند و برای حفظ حاکمیت ملی و سبززمین ایران، زمینه وفاق ملی و تکیه به مردم را فراهم کنند تا با اجرای قانون و پایبندی به تعهدات قانون اساسی و تأمین حقوق اساسی ملت -که شاخص آن برگزاری انتخابات آزاد و سالم است- بتوان از این بحران‌ها عبور کرد.

روایت

رمز عبور



✚ **صادق صدقگو**
دکترای مدیریت رسانه

«مترجم ترجمه کرد؛ هیئت کوبایی می‌خواهند با شما عکس یادگاری بگیرند. همه ایستاده بودند تو کادر جز مترجم! (بهشتی) پرسید مگه شما نمی‌آی؟ گفت: همه می‌دوند من توده هستم. برای شما بد می‌شود. خندید؛ باید شما هم باشید، دقیقاً کنار من! کادر کامل شد.» آینده‌نگری و دوراندیشی مرحوم شهید دکتر بهشتی در این روایت، ترجمانی از وحدت کلمه‌ای است که رمز پیروزی انقلاب اسلامی بود. آرمان «همه با هم» مقدمه نهضت و مقومه نظام ما بود و از این‌رو، او به‌عنوان یکی از افراد مؤثر در حلقه اول یاران نهضت و از تئوریسین‌های اصلی انقلاب اسلامی، تداوم انقلاب را فقط با وحدت مسیر می‌داند.^۱ و از طرفی مرگ این انقلاب را نیز در بی‌تفاوتی می‌بیند.^۲ تأکید رهبر معظم انقلاب در دیدار اخیر با معلمان مبنی بر حفظ اتحاد مردم و گروه‌های اجتماعی گوناگون و پرهیز از اختلاف و تشتت را می‌توان تأکید به آن آرمان‌ها و نقشه راهی برای عبور از بحران دانست. رهبری در این سخنرانی خود از ملت ایران می‌خواهند که همانند دشمن، آرایش جنگی بگیرند و به خاطر اختلاف‌نظرها و اختلاف سلیقه‌های کوچک، در مقابل یکدیگر قرار نگیرند.^۳ این تدبیر پیش از پیش از آنکه نیازمند همراهی اقشار و گروه‌های اجتماعی باشد، پایبندی همه‌جانبه صدر تا ذیل نظام را طلب می‌کند و از این منظر، تأکید ایشان بر همدلی و هم‌زبانی در همه سطوح است؛ توصیه‌ای که با تزویج سکوت، بی‌اعتنایی به یکدیگر و بی‌تفاوتی نسبت به وضع موجود همراستا و برابر نیست. انسجام داخلی همراه با حفظ استقلال سیاسی و هویت تاریخی، دغدغه‌مندی و مسئولیت‌پذیری در عین برادری و برابری، مهم‌ترین تدبیر ملی در شرایط کنونی کشور است؛ تدبیری که بر پایه مصلحت عمومی و همگانی شکل می‌گیرد و ضمن عنایت به نقاط قوت و اشتراکات، از نقطه ضعف و اختلافات نیز اجترای می‌کند. مصلحت عامه مردم شامل قشر یا گروه خاصی نیست که برخی از آن مستثنا شوند یا مصالح افرادی در مصلحت جامعه تریج داده شوند، بلکه بر اساس اصول متعدد قانون اساسی - به عنوان میثاق ملی کشور - هیچ مصلحتی با هر توجیه و به هر بهانه‌ای بر مصلحت عمومی ارجحیت ندارد. امام خمینی(ره) در پیام مشهور به «منشور برادری» درخصوص افراد و گروه‌هایی که مصالح شخصی و گروهی خود را بر مصلحت انقلاب ترجیح می‌دهند و بی‌جهت در پی حذف یا تخریب رقیب سیاسی خود برمی‌آیند، بر این باور است که: «حتماً پیش از آنکه به رقیب یا رقبای خود ضربه بزنند به اسلام و انقلاب لطمه وارد کرده است».^۴ او در این پیام، ضمن اشاره به «واسطه‌هایی که فقط کارشان القای بدبینی نسبت به جناح مقابل است»، به تألیف قلوب و تلاش برای زوددن کدورت‌ها و نزدیک‌کردن مواضع خدمت به یکدیگر، تأکید می‌کند.^۵ معمای امروز ما، استفاده از ادبیات سیاسی تشنج‌زا و بحران‌آفرین و طرح مسائل ناهنجار و مباحث نسنجیده است و کلید حل این معما، بازگشت به همان آرمان‌های اولیه انقلاب اسلامی است؛ تجلی نگاه توأم با احترام و حسن ظن در همه سطوح و به همه اقشار جامعه با هر گرایش و کوشی، اعتماد عمومی و راتقویت می‌کند و عاملی بر تحکیم آشتی ملی است؛ رمز عبوری که با دافعه حداکثری، ثمربخش نخواهد بود.

پی‌نوشت‌ها:

۱- تولابی، مجید؛ صد دقیقه تا بهشت (مجموعه گفتارهای کوتاه و خاطراتی از سیره عملی شهید بهشتی) ۲- صحیفه امام، ج ۶، ص: ۹؛ باید همه این رمز را بفهمیم که وحدت کلمه رمز پیروزی است؛ و این رمز پیروزی را از دست ندهیم و- خدای نخواست- شیطاین بین صفوف شما تفرقه نیندازند. ۳- سخنرانی شهید بهشتی در محرم ۱۴۰۱ هجری قمری ۴- گزیده‌ای از دیدگاه‌های شهید بهشتی، ص: ۱۰۹ http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42410-5

۶- صحیفه امام، ج ۱۳، ص: ۷۱۸۰- همان

زیر آسمان جهان

مادر بزرگ ۸۸ ساله

بزرگ‌یت، سیاست‌های ترامپ، تغییرات آب‌وهوایی و ... همه مسائلی هستند که در هر گوشه جهان بسیاری با آن سروکار دارند. دلیلی میل از مادر بزرگی حکایت کرده است که در گوشه‌ای از این دنیا هر روز صبح پشت پنجره می‌نشیند و به دانش‌آموزان که از جلوی خانه‌اش رد می‌شوند تا به مدرسه بروند، صبح‌به‌خیر می‌گوید و برایشان دست تکان می‌دهد. او که از سال ۲۰۰۷ به خانه‌اش بازگشته، با خورشویی آنها را روانه مدرسه می‌کند تا بتوانند با شادی بیشتری روزشان را آغاز کنند. تینی دیویس ۸۸ساله، کانادایی، این سنت خوشامدگویی را بعد از مرگ همسرش هم ادامه داد. اما حالا او می‌خواهد دوباره به زادگاهش در انگلیس بازگردد. این‌بار نوبت دانش‌آموزان بود که برای او دست تکان دهند. به همین خاطر بود که بیش از ۴۰۰ دانش‌آموز با کارت‌هایی که درست کرده بودند و تعداد زیادی دسته‌گل به بدرقه‌اش رفتند. او از این محبت آنان شوکه شد؛ اتفاقی که فراموش نمی‌شود.